

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۲۳

## گفتمان بیداری اسلام سیاسی (راهکوی احیای اسلام سیاسی در اندیشه و عمل امام خمینی (ره))

رحمت عباس تبار مقری<sup>\*۱</sup>

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

### چکیده

گفتمان بیداری اسلام سیاسی، رقیب قدرتمند و مؤثر گفتمان لیبرالیسم سکولار است. این گفتمان با بهره از مبانی اصیل اسلامی، خیزش و جنبش اسلامی علیه تمامیت غرب سکولار را موجب شده و داعیه‌دار پارادایم جدید و نظمی نوین، مبتنی بر الگوی اسلام اصیل نبوی و علوی است. مقاله حاضر در پی راهکوی و بازشناسی اصول و مبانی بیداری اسلام سیاسی در نظر و عمل بنیان‌گذار نظام نوین سیاسی مبتنی بر اسلام سیاسی (امام خمینی ره) می‌باشد. پژوهنده بر این باور است که با توجه به سیره نظری و عملی امام خمینی (ره)، گفتمان بیداری اسلام سیاسی متشکل از سه دال مهم "ایدئولوژی، رهبری و مردم" بوده که حول دال مرکزی "حکومت ولایی" مفصل‌بندی شده‌اند. این گفتمان دال‌های پراکنده بحرانی شده گفتمان لیبرالیسم را به چالش کشیده و موج جدیدی از بیداری را در حیات سیاسی - اجتماعی عصر کنونی، پدید آورده است.

واژگان کلیدی: نظریه گفتمان، بیداری اسلامی، اسلام سیاسی.

۱۱۱

دوفصلنامه مطالعات

بیداری اسلامی

گفتمان بیداری اسلام سیاسی

رحمت عباس تبار مقری

امروزه وقوع امواج متعدد بیداری اسلامی در اغلب کشورهای مسلمان و متعاقب آن بیداری انسانی علیه نظام سرمایه‌داری سکولار غربی در جوامع لیبرالیستی، از دغدغه‌های اساسی اندیشمندان، دولتمردان و حتی مردم عادی شده است. جنبش‌های بیداری اسلامی دارای سبقه تاریخی بوده که به لحاظ ماهوی و گستره مردمی، اشکال متفاوتی یافته‌اند. اولین جنبش اصیل اسلامی، در صدر اسلام و با بیدارگری پیامبر اکرم (ص) صورت پذیرفت که اگرچه از رهبری الهی و توانمند و ایدئولوژی کارآمد برخوردار بود اما به جهت سیطره سنگین جهالت بشری در عصر مذکور، شمول مردمی این جنبش بسیار محدود بوده است. دوران فترت پس از رحلت منادی بیداری اسلامی، مسیر جنبش را بسیار منحرف نموده است. دوران حضرت علی (ع)، عصر بازگشت به اسلام ناب بود. اما متأسفانه انحرافات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی عصر خلفای سه‌گانه عمیق‌تر از ظرفیت پذیرش بیداری اسلامی بود. مع‌الوصف، امیرالمؤمنین (ع) خالصانه‌ترین، بیشترین و مؤثرترین تلاش‌ها را در بیداری اسلامی امت خویش به انجام رسانید. اما کوتاهی عمر حکومتی آن حضرت، مانع گسترش ثمرات بیدارگری ایشان شده است. باروی کار آمدن امویان جریان بیداری اسلامی دچار انحطاط اساسی شده و منحرف گردید. پس از امیرالمؤمنین (ع) قیام حسینی، جهاد عبادی امام سجاد (ع)، نهضت علمی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و تلاش‌های بی‌وقفه دیگر ائمه معصومین، چراغ بیداری اسلامی را روشن نگه‌داشته‌اند اما به علت منصوب شدن زعامت سیاسی ائمه معصومین از سوی حکام جور، بیداری اسلامی نتیجه کلان و فراگیر به خود نگرفته است. از مشخصه‌های بارز نهضت بیداری اسلامی این دوران حضور، پربرکت و مؤثر رهبران الهی نهضت در میان مردم بوده است. این امر اصالت نهضت و وصال آن به سرچشمه وحی الهی را مؤید است. از دیگر ویژگی آن، ظرفیت زمانی و تناسب آن با نیازها، فهم، بینش و اقتضای جامعه سنتی بوده است.

اما نقطه اوج بیداری اسلامی با الهام از حقیقت ناب اسلامی و واقعیت جهانی و اجتهاد دینی، در قرن بیستم و در عصر امام خمینی (ره) به وقوع پیوست. این بیداری را به‌واقع باید بیداری اسلام سیاسی نامید، چراکه اجتهاد علمای شیعه از قرآن و سنت، هم باعث احیای اسلام نبوی و علوی شده و هم پارادایمی نو برای زندگی سیاسی - دینی ایجاد نمود.

بنابراین در مقاله حاضر مسئله بیداری اسلامی را در یک برهه بسیار مهم و حساس تاریخ حیات سیاسی اسلام، یعنی عصر جهانی سازی لیبرالیسم سکولار و خطر خروج کامل دین از حیات سیاسی - اجتماعی دوران حضرت امام (ره) بررسی می نمایم. لذا بر آنیم که با استفاده از نظریه گفتمان، به نزاع گفتمانی میان اسلام سیاسی و مدرنیته و لیبرالیسم سکولار دوران حضرت امام (ره) پردازیم. دریافت اصول، سیاست‌ها، و راهکارهای نظری و عملی این احیاگر اسلامی، از اهداف ضروری پژوهش حاضر است.

### تبیین مفهومی:

### نظریه گفتمان

به دنبال تحولات فکری و نظریه‌پردازی در قرن بیستم میلادی، در دو دهه اخیر شاهد ظهور نظریه‌هایی مربوط به تحلیل گفتمانی در عرصه‌های مختلف علوم انسانی بوده‌ایم. کاربرد وسیع و گسترده گرایش به استفاده از مباحث تحلیل گفتمانی در علوم انسانی، به نارضایتی روزافزون از رهیافت‌های پوزیتیویستی در تحلیل علوم اجتماعی و تضعیف سیطره آن در رشته‌هایی چون علوم سیاسی و جامعه‌شناسی به معنای اعم برمی‌گردد. نظریه گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می‌پردازد. این نظریه روشی را که نظام‌های معنایی (گفتمان‌ها)، طرز آگاهی یافتن مردم از نقش‌هایشان در جامعه را شکل می‌دهند، بررسی می‌کند و به تجزیه و تحلیل شیوه تأثیرگذاری این نظام‌های معنایی یا گفتمان‌ها بر فعالیت‌های سیاسی می‌پردازد.

گفتمان، کلیت ساختاردهی شده‌ای است که از عمل مفصل‌بندی حاصل می‌شود. گفتمان‌ها، صورت‌بندی مجموعه‌ای از، کدها، اشیا، افراد و ..... هستند که پیرامون یک دال کلیدی و مرکزی جایابی شده و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از غیرتها به دست می‌آورند. یک گفتمان می‌کوشد، "عنصرها" را به "وقته‌ها"، تبدیل کند، آن‌هم از طریق فرو کاستن معانی متکثر آن‌ها به یک معنای واحد و ثابت. گفتمان نوعی حد و حدود ایجاد می‌کند. یعنی بی‌ثباتی‌ای را که در معنای نشانه‌ها وجود دارد، به‌طور موقت، متوقف می‌سازد. حد و حدود یادشده، هیچ‌گاه قطعی و نهایی نیستند. گفتمان‌ها تصور و فهم ما را از واقعیت و جهان شکل می‌دهند. لذا، هویت ما و واقعیت جهان، برساخته گفتمانی‌اند. از این منظر، گفتمان، تمام قلمرو زندگی انسان را دربرمی‌گیرد چه حوزه گفتمانی و چه غیر گفتمانی.

در مقاله حاضر نیز اسلام سیاسی را نوعی گفتمان تلقی نموده و معتقدیم که این گفتمان با مفصل‌بندی دال‌های شناور حوزه اسلام سیاسی حول حکومت ولایی، موجی از بیداری اسلامی را در جهان اسلام به وجود آورده و مهم‌ترین رغبی گفتمان لیبرالیسم سکولار است.

## اسلام سیاسی

اسلام سیاسی گفتمانی است که در چارچوب اصول بنیادین اسلامی، موجبات فعال‌سازی ذهن و عمل مسلمانان و متفکران اسلامی را فراهم نموده است. بازسازی جامعه اسلامی مطابق مبانی و اصول اسلام نبوی و علوی از دغدغه‌های اصلی این گفتمان است.

اساساً اسلام سیاسی در پی شیوع و جهانی‌سازی مدرنیته غربی و انحطاط و افول هویت انسانی و اسلامی بشریت، چه در صدر اسلام و چه در عصر کنونی، حضور و ظهور یافته است. بنابراین اسلام سیاسی در پی احیای هویت اسلامی است. جهالت و تحجر حاکم بر عصر امیرالمؤمنین (ع) و همچنین مدرنیسم غربی با ترویج اسلام سکولار و تفکیک حوزه خصوصی و عمومی، دین را به عرصه خصوصی محدود کرده و از گسترش ارزش‌های دینی به حوزه عمومی جلوگیری نمودند. اما گفتمان اسلام سیاسی با مفصل‌بندی دال‌های پراکنده دینی، به بازتعریف انسان، جامعه، دین و سیاست پرداخته و از یک‌سو دین را به عرصه عمومی و سیاسی کشانده و از جانب دیگر جنبش بیداری اسلامی را مبتنی بر هویت اسلامی موجب گردید.

بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان به‌عنوان گفتمانی قوی و مؤثر به شمار آورد که حول محور "حکومت ولایی" نظم یافته و دارای قابلیت دسترسی و اعتبار بوده و لذا توانسته است گفتمان سکولاریسمی رغبی را به تزلزل وادارد. این گفتمان، اسلام را دین جامع تلقی نموده و از نظریه امامت و ولایت برای تدبیر امور سیاسی و اجتماعی بهره می‌برد و به پیوند وثیق میان دین و سیاست نیز معتقد است.

گفتمان اسلام سیاسی، به خلاف گفتمان مدرنیته سکولار، محصور در تأمین حیات مادی بشر نیست، بلکه دارای آرمان و اهداف والا و معنوی است که تمام حقیقت وجودی بشریت را شامل می‌گردد. لذا چنین گفتمانی از دایره شمول کشورهای مسلمان نیز فراتر رفته و داعیه جهانی دارد. اجرای قوانین بر مبنای قسط و عدل، جلوگیری از ستمگری و حکومت جائرانه، بسط عدالت فردی و اجتماعی، ممانعت از فساد و فحشاء و انواع کج‌رویه‌ها، تأمین و حفظ آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی، جلوگیری

از تباهی جامعه، راهبری جامعه با موازین عقل و عدل و انصاف و غیره از جمله اهداف گفتمان اسلام سیاسی است.

## ضرورت بیدارگری اسلامی

مسلمانان با غلبه و حاکمیت گفتمان ضد بشری و اسلام‌ستیز مدرنیته سکولار غربی، گاه بیدارگری اسلامی فرارسیده و گفتمان اسلام سیاسی ظهور می‌یابد. امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه الهی سیاسی خود مصائب، مشکلات و انحرافات جامعه اسلامی و مسائل اسفانگیزی که بر قرآن و عترت وارد آمده است را یادآور شده و ضرورت بیداری اسلامی را متذکر می‌شود.

و اکنون بینیم چه گذشته است بر کتاب خدا، این ودیعه الهی و ماترک پیامبر اسلام (ص) مسائل اسفانگیزی که باید بر آن خون گریه کرد، پس از شهادت حضرت علی (ع) شروع شد. خود خواهان و طاغوتیان، قرآن کریم را وسیله‌ای کردند برای حکومت‌های ضد قرآنی، و مفسران حقیقی قرآن و آشنایان به حقایق را که سراسر قرآن را از پیامبر اکرم (ص) دریافت کرده بودند و ندای انی تارک فیکم الثقلان در گوششان بود با بهانه‌های مختلف و توطئه‌های از پیش تهیه‌شده، آنان را عقب زده و با قرآن، در حقیقت قرآن را که برای بشریت تا ورود به حوض بزرگ‌ترین دستور زندگانی مادی و معنوی بود و هست از صحنه خارج کردند، و بر حکومت عدل الهی که یکی از آرمان‌های این کتاب مقدس بود و هست خط بطلان کشیدند و انحراف از دین خدا و کتاب و سنت الهی را پایه‌گذاری کردند، تا کار به جایی رسد که قلم از شرح آن شرمسار است.

و در ادامه، حضرت امام (ره) ضرورت حفظ شریعت اسلام و عدم غفلت از انحرافات اسلامی را بر همه مسلمانان گوشزد می‌کند:

و این حدیث شریف (ثقلین) حجت قاطع است بر جمیع بشر به‌ویژه مسلمانان مذاهب مختلف، و باید همه مسلمانان که حجت بر آنان تمام است جوابگوی آن باشند و اگر عدری برای جاهلان بی‌خبر باشد برای علمای مذاهب نیست.

همچنین امام خمینی (ره) هدف تشکیل نظام سیاسی-دینی و ضرورت بیداری اسلامی را فضای سیاسی مسموم و دیکتاتوری قبل از انقلاب اسلامی تشریح می‌نماید:

هرگونه فریاد آزادی‌خواهی و اعتراض به دیکتاتوری را با سرنیزه خاموش کردند... آزادی به تمام معنی از مردم سلب شده است. هیچگاه مردم حق انتخاب نداشته‌اند... گویندگان و نویسندگان یا کشته‌شده‌اند و یا زندانی هستند و یا ممنوع از گفتن و نوشتن.

مطبوعات را از نوشتن حقایق محروم کرده‌اند. و در یک کلمه تمامی مبانی بنیادی و دموکراسی را نابود کرده‌اند... ما که خواستار حکومت اسلامی هستیم در سایه آن به همه این جنایت‌ها و خیانت‌ها پایان داده می‌شود.

حضرت امام (ره) ضرورت بیدارگری اسلام سیاسی را جزء وظایف علمای اسلام و همه مسلمین دانسته و آنان را مکلف به مقابله علیه گفتمان ضد بشری می‌کند:

ما وظیفه داریم مردم مظلوم و محروم را نجات دهیم. ما وظیفه داریم پشتیبان مظلومین و دشمن ظالمین باشیم. همین وظیفه است که امیرالمؤمنین (ع) در وصیت به دو فرزند بزرگوارش تذکر می‌دهد که: و سونا للظالم خصما و للمظلوم عونا. علمای اسلام موظفند با انحصار طلبی و استفاده های نامشروع ستمگران مبارزه کنند، و نگذارند عده کثیری گرسنه و محروم باشند، و در کنار آن‌ها ستمگران غارتگر و حرام‌خوار در ناز و نعمت به سر ببرند.

### گفتمان بیداری اسلام سیاسی

با بررسی و تتبع در آراء و سیره عملی امیرالمؤمنین (ع) و امام خمینی (ره)، این نتیجه حاصل گردید که گفتمان بیداری اسلام سیاسی متشکل از سه مفهوم اساسی؛ "ایدئولوژی"، "رهبری" و "مردم" است که حول محور و دال مرکزی "حکومت ولایی" مفصل‌بندی شده‌اند.

### ایدئولوژی



### رهبری مردم

در نزاع گفتمانی میان گفتمان لیبرالیسم سکولار و اسلام سیاسی عصر خمینی (ره)، آنچه باعث بیداری ملت‌ها و جوامع در اعصار گذشته و کنونی شده و می‌شود، ترکیب عناصر مفهومی سه‌گانه "ایدئولوژی"، "رهبری" و "مردم" با محوریت "حکومت ولایی" است.

در واقع امام خمینی (ره) با بهره از اصول و مبانی متقن اسلامی به ترسیم گفتمان اسلام سیاسی در تقابل با گفتمان‌های رغیب ضد انسانی - اسلامی پرداخته و جنبش بیداری اسلامی را برپا نمود.

با توجه به ضرورت بیدارگری اسلامی در عصر امام خمینی (ره)، هسته و شالوده مبارزات و منازعات بیدارگری اسلامی بر پایه تشکیل حکومت ولایی بنا شده بود. در حقیقت تنها راه احیاء اسلام ناب نبوی، بی‌قرار و بی‌ثبات نمودن عناصر سکولار گفتمان لیبرالیسم غرب، از طریق مفصل‌بندی دال‌های شناور حوزه گفتمان گونگی اسلامی با محور نظام سیاسی مبتنی بر اصول حقیقی اسلامی است.

بنابراین هسته مرکزی جریان بیدارگری اسلام سیاسی امام خمینی (ره)، تشکیل یک نظام سیاسی اسلامی بود. حضرت امام (ره) در دلایل تشکیل حکومت اسلامی بر سیره پیامبر اکرم (ص) استناد کرده و می‌فرماید:

سنت و رویه پیامبر اکرم (ص) دلیل بر تشکیل حکومت است، زیرا اولاً: خود تشکیل حکومت داد، و تاریخ گواهی می‌دهد که تشکیل حکومت داده، و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اسلام پرداخته و به اداره جامعه برخاسته است. والی به اطراف می‌فرستاده، به قضاوت می‌نشسته، و قاضی نصب می‌فرمود، یا سفیرانی به خارج و نزد روسای قبایل و پادشاهان روانه می‌کرده، معاهده و پیمان می‌بسته، جنگ را فرماندهی می‌کرده و خلاصه احکام حکومتی را به جریان می‌انداخته است.

## عناصر گفتمان بیداری اسلام سیاسی

### ۱. ایدئولوژی

یکی از مهم‌ترین عناصر گفتمان بیداری اسلامی، مفهوم ایدئولوژی است. اساساً ایدئولوژی نقشه راه هر جریان فکری و سیاسی است. ایدئولوژی مهم‌ترین عنصر پیونددهنده دیگر عناصر یک گفتمان است. به‌طور کلی ایدئولوژی‌ها در هر جریان سیاسی و فکری دارای سه کارکرد اساسی هستند. ۱- تقبیح وضع موجود. اینکه اوضاع گوناگون حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متأثر از گفتمان ایدئولوژیک موجود، نابسامان و بی‌قرار بوده و توان و قابلیت ارضاء نیاز جامعه در حوزه‌های گوناگون را ندارد. ۲- ترسیم آینده‌ای مطلوب. بدین معنا که ایدئولوژی از قابلیت دسترسی و اعتبار برخوردار باشد و دارای جامعیت بوده و قابلیت هویت بخشی جدید داشته باشد. در عرصه تنازع گفتمانی، هر گفتمانی در پی معنا بخشی به عناصر و دال‌های پراکنده‌ای هستند که در حوزه گفتمان گونگی

قرار گرفته‌اند. منطقاً ایدئولوژی‌ای صلاحیت گفتمانی و حاکمیت پیدا می‌کند که بتواند مفاهیم پراکنده در حوزه گفتمان‌گویی را به وقفه تبدیل نموده و حول محوری اساسی تثبیت نماید. در نزاع گفتمانی، ایدئولوژی باید توان حل نابسامانی‌های جامعه را داشته و با ارائه برنامه‌ای جامع خلع هویتی و ایدئولوژیکی موجود را پر نماید. -۳ بیان تاریخی تازه‌ای از وضعیت نابسامان اجتماعی جامعه که منبث از بی‌قراری‌ها و بی‌ثباتی عناصر بحران‌زده گفتمان رغیب است.

در بحث ایدئولوژی گفتمانی، مسلماً ایدئولوژی‌ای می‌تواند حاکمیت یابد که از بی‌قراری و بی‌ثباتی مبری باشد. لذا ما مدعی هستیم که تنها ایدئولوژی اسلامی است که به این امر متصف بوده و قابلیت بیدارگری و سعادت بشری دارد. اسلام به مثابه یک گفتمان جهانی، انسان را موجودی تک‌ساحتی نمی‌بیند و دارای عمیق‌ترین تعالیم دینی در حوزه‌های معنوی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. حضرت امام (ره) در تبیین قابلیت ایدئولوژی اسلام سیاسی در بیدارگری اسلامی می‌فرماید:

اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند. و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آن‌ها کوشیده است.

امام خمینی (ره) در جامعیت قرآن و سیره معصومین (ع) به‌عنوان منابع اصیل دین اسلام و هشدار به غفلت نوزیدن از آن می‌فرماید:

قرآن کریم و سنت رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه و آله - آن قدر که در حکومت و سیاست احکام دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلکه بسیار از احکام عبادی اسلام، عبادی - سیاسی است که غفلت از آن‌ها مصیبت‌ها به بار خواهد آورد.

حضرت امام (ره) به ایدئولوژی اسلام افتخار ورزیده و تنها راه نجات و بیداری را در پیروی از آن می‌داند:

ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین بلکه بشریت دم



می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به‌عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به‌سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشانند، نجات دهد.

بنابراین ایدئولوژی اسلامی یکی از عناصر و دال مؤثر در تقابل با گفتمان رگیب و خیزش بیداری اسلامی است که غفلت و عدم توجه و نافرمانی از آن موجب بی‌قرای گفتمان بیداری اسلامی می‌شود.

## ۲. رهبری

دومین و شاید اساسی‌ترین عنصر گفتمان بیداری اسلامی، وجود رهبر است. در واقع رهبری هماهنگ‌کننده و هدایت‌کننده نیروها و باورها و جریان‌های درگیر در منازعه گفتمانی است. جنبش بیداری بدون وجود رهبر یا بی‌نتیجه مانده و یا باعث افزایش هژمونی گفتمان رگیب خواهد گردید. زیرا از ضعف و بی‌برنامگی گفتمان جدید در حل معضلات گفتمان خود بهره خواهد برد.

آنچه در گفتمان بیداری اسلامی، بر نقش و کارآمدی رهبری در تقابل با گفتمان رگیب می‌افزاید، داشتن عصمت الهی و برخورداری از علوم و معارف لدونی، در عصر معصوم، و وجهه ایزدی و تقوای دینی و قدرت و توان اجتهاد و استنباط مسائل از متون دینی است. امروزه جنبش‌هایی به بیداری و سعادت انسانی ختم می‌گردند که دارای رهبری با مشروعیت الهی باشند.

حضرت امام (ره) نیز بر ضرورت حضور عنصر رهبری در جریان بیداری اسلامی تأکید داشته و در عصر غیبت امام معصوم، آن را شایسته فقهای جامع‌الشرایط می‌داند، و تصدی این امر را بر فقهای عادل واجب می‌شمرد:

امر ولایت و سرپرستی امت به فقیه عادل راجع است و اوست که شایسته رهبری مسلمانان است، چه حاکم اسلامی باید متصف به فقه و عدالت باشد. پس اقامه حکومت و تشکیل دولت اسلامی بر فقیهان عادل، واجب کفایی است.

در دوران معاصر و در گفتمان مدرنیته و لیبرالیسم، اشاعه فرهنگ مصرفی و سکولار غرب و شرق، محور اتصال و اتفاق عناصر سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار گرفته و توسط رهبرانی با ایدئولوژی مارکسیستی، اومانیستی، لیبرالیستی و سکولاریستی به اجرا درآمده است. اگرچه همه این جریانات بر محور رهبری با ایدئولوژی بشری شکل گرفته و شیوع یافته است، اما تهی از معنا بودن، مادی و سکولار بودن، تک‌بعدی و بشری بودن

ایدئولوژی و رهبران آن، به مرور باعث تزلزل و ناپایداری دال‌های گفتمان لیبرالیسم غربی شده است. اما در گفتمان بیداری اسلامی، مشروعیت، اوصاف و ویژگی‌های رهبری بسیار حائز اهمیت است. در حقیقت آنچه عمومیت، جامعیت و مطلوبیت گفتمان بیداری اسلامی را موجب شده و می‌شود، وجود رهبر و کارگزاران الهی و باتقوا در هدایت جنبش‌های بیداری اسلامی است.

یکی از ویژگی‌های رهبران بیدارگر اسلامی، تبعیت از منافع عمومی، بجای ارجحیت منافع شخصی است. احترام و فروتنی نسبت به مردم نیز از دیگر ویژگی‌های رهبران می‌باشد. کما اینکه سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) نیز بر این امر حکایت دارد. تقوا و ساده زیستی نیز از شروط رهبران جنبش بیداری اسلامی است. به حقیقت آنچه حضرت امام (ره) را به مرز عصمت کشانده و نه تنها ملت ایران را دل‌باخته خود نموده بلکه حتی رهبران سیاسی جهان مدرن را نیز متحیر خود ساخت، تقوای الهی و ساده زیستی و بی‌آلایشی در عین بر خورداری ایشان بود.

از دیگر ویژگی‌ها که نقش مهمی در جلب آراء، نظرات و جریان‌های مختلف فکری و سیاسی در مسیر جریان بیداری اسلامی دارد، سعه صدر رهبر است. امام علی (ع) اساسی‌ترین وسیله و ابزار مدیریت و رهبری را داشتن سعه صدر دانسته و می‌فرمایند: وسیله و بزار ریاست، سعه صدر است.

اجرای عدالت در همه امور اجتماعی، توکل به خدا در تمام مراحل زندگی، دوری از جهل و اشاعه علم‌آموزی، برخورداری از بینش صحیح و بسیط در امور سیاسی- اجتماعی، قدرت و توان بسیج نیروهای فکری و سیاسی در جریان جنبش بیدارگری، پرهیز از خودبینی و خودپسندی، اشتها به خوش‌نامی و صداقت و درستکاری، استقلال در رأی و توان تصمیم‌گیری، صلابت و شجاعت در گفتار و رفتار، قدرت اجتهاد و استنباط موضوعات مستحدثه، مصلحت‌اندیشی اسلامی و ملی، ظلم‌ستیزی، تبلیغ و تبیین دین اسلام و تدبیر امور جامعه، احیای سنت ائمه معصومین، به مشارکت طلبیدن مردم در امور مختلفه جامعه، اعتقاد و اعمال امر به معروف و نهی از منکر، مشورت از خواص و عوام در مهمات و عمومیات جامعه، تلاش بی‌وقفه در بیداری و افزایش بصیرت مردم، خیرخواهی مردم و حق‌طلبی و غیره از دیگر شرایط و ویژگی‌های رهبری صالح برای هدایت و بیدارگری ملت‌هاست که در دیدگاه امام خمینی (ره) بدان‌ها تأکید فراوان شده است.

### ۳. مردم

از کلیدی‌ترین عناصر گفتمان بیداری اسلام سیاسی، مردم هستند. در حقیقت گفتمان بیداری اسلامی بدون حضور و نقش مردم به فعلیت نخواهد رسید. در اندیشه و باور اسلامی، سند مقبولیت و فعلیت ایدئولوژی، رهبری و نظام سیاسی، ممه‌ور به مهر مردم است. اگرچه در اندیشه اسلامی، نظام سیاسی و رهبری آن ثبوتاً الهی است و منشأ مشروعیت آن وحی الهی است، اما اثبات مردمی و بسته به پذیرش مردم است. بنابراین در جریان بیداری اسلامی، آنچه گفتمان اسلام سیاسی را به فعلیت می‌رساند، اقبال مردم و حضور و مشارکت آنان است. نقش و جایگاه مردم در حاکمیت گفتمان بیداری اسلامی از مؤکدات اندیشه و عمل و بیانات امام خمینی (ره) است.

حضرت امام (ره) رضایت مردم در تثبیت نظام و ولایت فقیه را مهم دانسته و می‌فرماید: "ولایت در جمیع صور دارد لکن تولی امر مسلمین و تشکیل حکومت بستگی دارد به آراء اکثریت مسلمین که در قانون اساسی هم به آن اشاره شده است و در صدر اسلام تعبیر می‌شده به بیعت با مسلمین"

در اندیشه اسلامی، نقش و جایگاه مردم در اصول متعددی بیان و تبیین شده است. اصل مشورت، از اساسی‌ترین مکانیسم‌های نقش مردم در نظام اسلامی است. در گفتمان اسلامی، مردم عموماً و یا خصوصاً دارای حق مشارکت می‌باشند. امر به معروف و نهی از منکر از دیگر اصول مشارکت سیاسی مردم در اسلام است. مکانیزم امر به معروف و نهی از منکر، نوعی نظارت همگانی را بر دستگاه سیاسی و عمومی ایجاد می‌کند. اصل بیعت نیز از دیگر مکانیسم‌های به مشارکت طلبیدن مردم در امور عام جامعه اسلامی است. این اصل اثبات، فعلیت و مقبولیت سیاست‌ها، رهبران و ایدئولوژی اسلامی را بیان می‌کند. چهارمین اصل، نصیحت به ائمه مسلمین است. بدین معنا که مردم نباید حتی نسبت به ولی امر خود بی‌تفاوت بوده و از نظر و انتقاد بپرهیزند.

حضرت امام (ره) در جریان بیدارگری اسلامی، بی‌تفاوتی مردم را مورد نکوهش قرار می‌دهد، و اساساً همه مردم را مسئول می‌داند:

"همه ما مسئولیم نه برای کار خودمان، مسئول کارهای دیگران هم هستیم، مسئولیت من هم گردن شماست، مسئولیت شما هم گردن من است. اگر من پام را کج گذاشتم شما مسئولید اگر نگوئید چرا پایت را کج گذاشتی، باید هجوم کنید، نهی کنید که چرا؟" مردم در گفتمان غیردینی و غیر اسلامی، به جهت سیطره سیاسی و یا اقتصادی، از فرد، گروه و یا حزب خاصی تبعیت می‌کنند و چه بسا رضایت قلبی بدان‌ها نداشته باشند، اما

در گفتمان اسلامی، کمال و سعادت واقعی بشر در گرو اطاعت از مکتب و انسان‌های الهی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: (یا ایهاالذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم). و اساساً اطاعت از غیر را غیر مشروع و حرام می‌داند. بنابراین رمز پیروزی گفتمان بیداری اسلامی در پذیرش و اطاعت آنان از صاحبان وحی است. به خلاف گفتمان منفعت‌طلب لیبرالیسم غربی، گفتمان اسلامی زمینه‌های جلب حمایت و اعتماد مردم را نیز فراهم می‌کند.

از اموری که مردم در جریان بیداری اسلامی نقش مهمی دارند، حفظ وحدت و مقابله با انحرافات و توطئه‌های داخلی و خارجی است. حضرت امام (ره) در این زمینه می‌فرماید: توصیه این‌جانب آن است که نسل حاضر و آینده غفلت نکنند دانشگاهیان و جوانان برومند عزیز هر چه بیشتر با روحانیان و طلاب علوم اسلامی پیوند دوستی و تفاهم را محکم‌تر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها توطئه‌های دشمن غدار غافل نباشند و به‌مجرد آنکه فرد یا افرادی را دیدند که با گفتار و رفتار خود درصدد است بذر نفاق بین آنان افکند او را ارشاد و نصیحت نمایند؛ و اگر تأثیر نکرد از او روگردان شوند و او را به انزوا کشانند و نگذارند توطئه ریشه دواند که سرچشمه را به‌آسانی می‌توان گرفت.

و وصیت این‌جانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد.

از دیگر امور نقش و مشارکت مردم در حفظ و گسترش بیداری اسلامی، حضور آنان در انتخابات، نه از حیث حق بلکه به جهت وظیفه و تکلیف الهی می‌باشد. امام خمینی (ره) می‌فرماید:

وصیت این‌جانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد به احکام اسلام و مصالح کشور، در هر دوره از انتخابات، وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیر منحرف از صراط مستقیم - به سوی غرب یا شرق - و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیل کرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی، به مجلس بفرستند.

و وصیت من به ملت شریف آن است که در تمام انتخابات، چه انتخاب رئیس‌جمهور و چه نمایندگان مجلس شورای اسلامی و چه انتخاب خبرگان برای تعیین شورای رهبری یا رهبر، در صحنه باشند و اشخاصی که انتخاب می‌کنند روی ضوابطی باشد که اعتبار می‌شود.

اساساً حضرت امام (ره) عدم مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و کشور را از گناهان کبیره می‌داند:

از این قرار، عدم دخالت ملت، از مراجع و علمای بزرگ تا طبقه بازاری کشاورز و کارگر و کارمند، همه و همه مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتیه؛ و چه بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.

ظلم‌ستیزی و قیام حق‌طلبانه، خروج بیگانگان از ممالک اسلامی و تشکیل دولت اسلامی از وظایف مهم مردم در گفتمان اسلام سیاسی است که حضرت امام (ره) آن را به همه جهانیان یادآور می‌شود:

و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان بپا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید؛ و حکام جنایتکار که دسترنج شما را به دشمنان شما و اسلام عزیز تسلیم می‌کنند از کشور خود برانید؛ و خود و طبقات خدمتگزار متعهد، زمام امور را به دست بگیرید و همه در زیر پرچم پرافتخار اسلام مجتمع، و با دشمنان اسلام و محرومان جهان به دفاع برخیزید؛ و به سوی یک دولت اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل به پیش روید که با تحقق آن، همه مستکبران جهان را به جای خود خواهید نشاند و همه مستضعفان را به امامت و وراثت ارض خواهید رساند. به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است.

قیام همه‌جانبه مردم علیه ظلم و ستم و بیدادگری از وظایف مهم مردمی است که حضرت امام (ره) بدان تأکید فراوان داشته و بر عقوبت عدم قیام هشدار می‌دهند: من صریحاً به همه ملت‌ها اعلام می‌کنم که حق‌گرفتنی است، قیام کنید و ابرقدرت‌ها را از صحنه تاریخ و روزگار براندازید.... اگر امروز قشرهای مختلف ملت‌ها، از علمای دینی تا گویندگان و نویسندگان و روشن‌بینان متعهد، قیام همه‌جانبه نکنند و با بیدار کردن توده‌های عظیم انسانی - اسلامی به دادِ کشورها و ملت‌های تحت ستم نرسند، کشورهایشان بی‌شک به نابودی و وابستگی همه‌جانبی بیشتر و بیشتر خواهد کشید، و غارتگران ملحد شرقی و بدتر از آنان ملحد غربی ریشه حیات آنان را می‌مکند و شرافت و ارزش‌های انسانی آنان را به باد فنا می‌سپارند.

حفاظت و پاسداری از حکومت و نظام اسلامی، کمک به دولت در حل مشکلات، برخورد قاطع با خطاها و تخلفات و توطئه‌ها، مشابه بانفوذ بیگانگان و وابستگان آنان،

افزایش آگاهی و بصیرت سیاسی و دینی، از مؤلفه‌های کلیدی نقش مردم در حمایت و گسترش بیداری اسلامی، در اندیشه امام خمینی (ره) است.

### سیره عملی امام خمینی (ره) در بیدارگری اسلام سیاسی

جامعیت و قابلیت گفتمان اسلام سیاسی، منحصر در تئوری و نظر نیست بلکه عملاً در جریان جنبش بیداری اسلامی بکار گرفته شد. انحراف از مسیر مستقیم اسلام نبوی، بروز بدعت‌های متعدد در دین اسلام، رواج خرافات و آیین ضد دینی، انزوا و غضب خلافت و امامت از منادیان وحی، افزایش فساد مالی و بی‌عدالتی دستگاه خلفای سه‌گانه، هرچند مرجع و تبعیض‌های ناروا، افزایش بی‌بندباری و فساد اخلاقی، نابسامانی اقتصادی جامعه، افول شوکت و اقتدار گفتمان اسلام نبوی و ده‌ها مسائل و مشکلات دیگر، حضرت امیرالمؤمنین را بر آن داشت تا عملاً سکان جنبش بیداری اسلامی را به دست گیرد.

عصر حاضر و قرن ۲۰ را باید به‌حق، عصر خمینی (ره) نامید. احیای بیداری اسلام سیاسی در ایران و جهان، از معجزات عصر کنونی بوده که به برکت الطاف الهی و حمایت امام زمان (عج) و با تلاش خالص و مجدانه امام خمینی (ره) به ثمر رسید. درحالی‌که گفتمان امپریالیستی و لیبرالیستی غرب، فضای کاملاً ضد دینی بر جهان حاکم نمود، اما حضرت امام (ره) در راه بیداری اسلام سیاسی اقدامات بسیار مهم و مؤثری انجام داده‌اند. اولین و مهم‌ترین اقدام اصلاحی حضرت امام (ره) در جریان جنبش بیداری اسلامی، اصلاح محیط پیرامون خویش بود. گفتمان اسلام سیاسی، منبعث از اسلام ناب نبوی (ص) و گسترش‌یافته از حوزه‌های علمیه است. اما فضای سیاسی و فکری حاکم بر حوزه‌های علمیه در عصر حضرت امام (ره)، متأثر از سیاست‌های سکولاریستی غرب، کاملاً سیاست‌زده و منحرف از مسیر واقعی اسلام سیاسی بود. لذا امام (ره) در تبیین چهره حقیقی اسلام سیاسی، اولین قدم مؤثر خود را در مقابله با افکار متحجر و سیاست‌زده حوزه‌های علمیه برداشت. حضرت امام (ره) در تبیین فضای سیاسی-دینی حاکم بر حوزه‌ها می‌فرمایند:

و کار به‌جایی رسید که نقش قرآن به دست حکومت‌های جائر آخوندهای خبیث بدتر از طاغوتیان وسیله‌ای برای اقامه جور و فساد و توجیه ستمگران و معاندان حق‌تعالی شد. و دیدیم اگر کسی دم از حکومت اسلامی برمی‌آورد و از سیاست، که نقش بزرگ اسلام و رسول بزرگوار - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - و قرآن و سنت مشحون آن است، سخن می‌گفت گویی بزرگ‌ترین معصیت را مرتکب شده؛ و کلمه "آخوند سیاسی" موازن با

آخوند بی‌دین شده بود.

البته اشاعه افکار جدید اسلامی و بیدارگری‌های سیاسی-دینی حضرت امام (ره) با مخالفت جدی برخی روحانی‌نماهای منتصب به حکومت شاهنشاهی و همچنین برخی بزرگان روحانی نیز مواجه شده، اما حضرت امام (ره) هرگز کوتاه نیامده و با هرگونه سلفی‌گری و اندیشه و افکار متحجرانه، با قلم و عمل مبارزه نمود.

ارائه طرح اصلاح ساختار حوزه علمیه، از دیگر اقدامات بیدارگری سیاسی-دینی حضرت امام (ره) بود. در این طرح، امام (ره) خواستار تغییر شیوه مدیریتی و اداره مالی و همچنین اصلاح دروس و سبک تدریس بوده، که برای اجرا آن را خدمت مرجع تقلید وقت ارائه داده اما متأسفانه برخی روحانیان متحجر مانع عملیاتی شدن آن شدند. البته حضرت امام (ره) بعدها در دوره زعامت سیاسی نظام جمهوری اسلام ایران، طرح مذکور را به اجرا درآورده و به حوزه‌های علمیه یادآور می‌شود که از عروج به دروان تحجرگرایی و ورود افکار منحرف در حوزه‌های علمیه جلوگیری نمایند:

وصیت این‌جانب به حوزه‌های مقدسه علمیه آن است که یکی از راه‌های بااهمیت برای مقصد شوم آنان (مخالفان اسلام و نظام) و خطرناک برای اسلام و حوزه‌های اسلامی، نفوذ دادن افراد منحرف و تبه‌کار در حوزه‌های علمیه است، که خطر بزرگ کوتاه‌مدت آن بدنام نمودن حوزه‌ها با اعمال ناشایسته و اخلاق و روش انحرافی است و خطر بسیار عظیم آن در درازمدت به مقامات بالا رسیدن یک یا چند نفر شیاد که با آگاهی بر علوم اسلامی و جازدن خود را در بین توده‌ها و قشرهای مردم پاک‌دل و علاقه‌مند نمودن آنان را به خویش و ضربه مهلک زدن به حوزه‌های اسلامی و اسلام عزیز و کشور در موقع مناسب می‌باشد.

تربیت شاگرد، تدریس و تألیف کتاب، سیاست بعدی حضرت امام (ره) در جبهه بیدارگری اسلامی بوده است. عمده شاگردان حضرت امام (ره)، خود بعدها جزء ایدئولوژی‌ست‌ها و رهبران نهضت بیداری اسلامی در ایران و جهان شده‌اند. همچنین ارائه سبکی نو در تدریس علوم دینی باعث افزایش مخاطبین اندیشه و افکار حضرت امام (ره) شده بود. امام (ره) شالوده و بنیان نظام سیاسی اسلامی را در قالب دروس علوم دینی پی‌ریزی نمودند. تألیف کتاب‌های سیاسی، اخلاقی و عرفانی، در فضای کاملاً بسته سیاسی موج دیگری از القاء گفتمان اسلام سیاسی را در میان ملت‌ها ایجاد نمود. کتاب "کشف الاسرار" امام (ره) خود به‌تنهایی انقلاب بیداری اسلامی بود.

پیروی محض از مراجع عظام تقلید جهت تبلیغ اصل "مرجع‌محوری" برای خشتی

نمودن توطئه تفرقه دشمنان اسلام، طرح حکومت اسلامی در قالب مسئله "ولایت فقیه" و بیان زوایای علمی و عملی، محاسن و کارکردهای بلندمدت آن و به دست گرفتن مرجعیت سیاسی و دینی مردم جهت اجرای اصل ولایت فقیه، قیام بی وقفه امام (ره) در تمام عرصه‌های علمی و سیاسی، حکومت بر دل‌های مردم برای بسیج نیروهای مسلمان علیه گفتمان لیبرالیسم غرب، و صدها اقدام عملی دیگر امام (ره)، جنبش بیداری اسلام سیاسی را برای همیشه در ایران و جهان به حرکت درآورد.

### خاتمه

گفتمان بیداری اسلام سیاسی از رغبای جدی گفتمان لیبرالیسم سکولار غرب در دوران امام خمینی (ره) بوده و هست. این گفتمان با ابتناء بر اصول و مبانی اسلام نبوی (ص)، سعی در پیوند دال‌های شناور و پراکنده حوزه گفتمان گونگی اسلام بر محور مرکزیت حکومت اسلامی و ولایی داشته و دارد. در پی بررسی و تتبع در آراء، اندیشه‌ها و سیره عملی حضرت امام (ره)، سه مفهوم اساسی و کلیدی یعنی "ایدئولوژی"، "رهبری" و "مردم" با محوریت "حکومت ولایی"، پارادایم جدیدی از اسلام سیاسی حاصل گردید که آن احیاگر بزرگ قرن، با تمسک و تأکید بر این پارادایم، به بیداری اسلامی همت گماشتند. اگرچه جنبش بیداری اسلامی در اعصار گوناگون با فراز و فرودهایی همراه بوده اما در حقیقت راز و رمز ماندگاری و اثربخشی جنبش بیداری خمینی (ره) در اجرای عناصر مهمه گفتمان اسلام سیاسی بر هسته نظام ولایی بوده و هست.



1. Discourse Theory
2. Howarth, David, Discourse, Buckingham, Open university Press, 2000, pp. 2-3
3. Articulation
4. Nodal Point
5. Other
6. Elements
7. Moment
8. Instability
9. Howarth.D, Noarval. A, Stavarkakis. G, Discourse Theory and Political Analysis, manchester university press, 2000, p. 4
10. Availability
11. Credibility
12. Dislocation
13. Flating signifiers
14. Field of Discursively
15. Antagonism
16. Moment
17. Fix
18. Legitimacy

۱۹. سوره نساء، آیه ۵۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

## فارسی

- امام خمینی، روح‌الله، **آخرین پیام؛ وصیت نامه الهی سیاسی**، سازمان اوقاف و امور خیریه (اسوه)، ۱۳۶۹.
- امام خمینی، روح‌الله، **ولایت فقیه**، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴.
- امام خمینی، روح‌الله، **شئون و اختیارات ولی فقیه**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.
- امام خمینی، روح‌الله، **صحیفه امام**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱، جلد ۲.
- نصر اصفهانی، علی، مقایسه رهبری خدمتگزار از دیدگاه نظریه پردازان غربی و امام علی (ع)، **فصلنامه معرفت**، سال سیزدهم، شماره ۳.
- موسویان، سید ابوالفضل، نقش و جایگاه مردم در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی، **نامه مفید**، شماره ۲۰.
- محمدی ری شهری، محمد، اصلاحات علوی، **کتاب نقد**، سال چهارم، شماره ۱۶.
- خراسانی، وحید، مواجهه غرب با اسلام سیاسی در دوره معاصر، **فصلنامه علوم سیاسی**، شماره ۴۹.
- رضایی‌نژاد، محمد، **اندیشه‌های اسلامی در مدیریت**، تهران، موسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، ۱۳۸۵.

انگلیسی

- Howarth, David, **Discourse**, Buckingham, Open university Press, 2000, pp. 2-3.

- Howarth. D, Noarval. A, Stavarkakis. G, **Discourse Theory and Political Analysis**, manchester university press, 2000, p. 4.

۱۲۹

دو فصلنامه مطالعات  
بیداری اسلامی

گفت‌وگو  
رحمت عباس تبار مغوی





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی